

**حسین منزوی**

# **تورکی شعر لر**

با مقدمه و نظارت:  
دکتر حسین محمدزاده صدیق

استفاده از محتوای این کتاب، فقط با ذکر منبع و نام مولف آن مجاز است.

[www.duzgun.ir](http://www.duzgun.ir)

سایت دوستانان دکتر ح. م. صدیق

---

سرشناسه : منزوی، حسین، ۱۳۲۵ - ۱۳۸۳.

عنوان و نام پدیدآور : تورکی شعرلر / حسین منزوی. مشخصات نشر : تهران: تکدرخت، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۶۴ص.

شابک: ۱- ۲۵- ۶۶۴۶- ۶۰۰- ۹۷۸

یادداشت : ترکی. موضوع : شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۹ت۷۸۴م/۳۱۴PL

رده بندی دیویی : ۸۹۴/۳۶۱۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۰۱۷۱۳

---

---

**تورکی شعرلر**

**حسین منزوی**

**با مقدمه و نظارت: دکتر حسین محمدزاده صدیق**

ناشر: تکدرخت، سال نشر: ۱۳۹۲، محل نشر: تهران، شمارگان: ۵۰۰، چاپ اول،

قیمت: ۲۰۰۰ تومان - شابک: ۱- ۲۵- ۶۶۴۶- ۶۰۰- ۹۷۸

آدرس: تهران، خیابان جمهوری، خیابان نوفلاح، پلاک ۱، واحد ۴

تلفن: ۶۶۵۶۵۱۳۲

---

۲

استفاده از محتوای این کتاب، فقط با ذکر منبع و نام مولف آن مجاز است.

[www.duzgun.ir](http://www.duzgun.ir)

سایت دوستانان دکتر ح. م. صدیق

## فهرست

۵	نقبي به خاطرات
۱۸	باياتي
۱۹	اۆرهك سۆزى
۲۲	باياتي
۲۴	غزليم
۲۶	باياتي
۲۹	باياتي
۳۰	باياتي
۳۲	باياتي
۳۳	عاشبق
۳۵	گۆزله!
۳۶	اولماسېن
۳۷	باھارا باخېش
۳۹	آي بئچاره، بختى قارا
۴۴	پنجره دالپندان
۴۶	اينجى
۴۸	سفر سۇغاتى

۵۰	.....	بایاتی
۵۵	.....	قار، شخته
۵۶	.....	دخمه
۶۵	.....	بایاتی
۶۸	.....	خیال سورشى
۷۰	.....	اصلی کرم
۷۲	.....	دریا فانوسى
۷۴	.....	هاردان هارا
۷۷	.....	خیال
۷۹	.....	باهر سوغاتى
۸۴	.....	نیسگیل
۸۸	.....	بولوت
۸۹	.....	بایاتی
۹۱	.....	قوشماجا

## نقبی به خاطرات

من حسین منزوی را در سال ۱۳۴۵ شناختم؛ از طریق احمد شاملو که مجله‌ی «خوشه» را چاپ می‌کرد. او در چند شماره‌ی این هفته‌نامه از هر دوی ما برگردان‌هایی فارسی از اشعار ترکی حبیب ساهر را انتشار داد. اول از من برگردان هفت شعر و چند شماره بعد، از منزوی برگردان سه شعر. هر دو دانشجوی سال دوم رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی بودیم؛ او در تهران، من در تبریز، هر دو در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه شدیم. من در ۱۳۴۸ فارغ‌التحصیل شدم. ولی او به علت تغییر رشته از «زبان و ادبیات فارسی» به «جامعه‌شناسی» و قطع تحصیل و بازگشت به زنجان و رجعت دیگر باره به رشته‌ی قبلی، در سال ۱۳۵۸ از تحصیل رسمی فراغت یافت. سن او یک سال از من کمتر بود. من ساهر را از روی اشعارش می‌شناختم؛ او در کلاس درسش نشسته بود؛ شاگرد دبیرستانی ساهر بود، مانند عمران صلاحی که هر دو خاطراتی از شیوه‌ی معلمی حبیب ساهر داشتند و هر دو شیفته‌ی خلاقیت شعری او بودند.

هفت شعری را که من از ساهر به فارسی ترجمه کرده بودم، بعدها در کتاب «نمونه‌های شعر معاصر آذربایجان»<sup>۱</sup> گنجاندم. خودم از ترجمه‌هایم هنوز هم راضی هستم. اما ترجمه‌ی حسین منزوی چیز دیگر است، هاله‌ای از تغزلی مواج و غنایی‌سرایبی سرشاری دارد. نمونه را شعر «مخند!» را می‌آورم که خود در لطافت و صلابت زبان با شعر ساهر پهلو می‌زند:

مخند!

گریه کن هر چه دلت می‌خواهد  
که در این تیره شب طولانی، گریه‌ی تو  
آب خواهد شد و محو  
و برای تو نخواهد زاد  
آسمان،

خورشیدی.

قلب شب، سنگ سیاهی است  
و تو را، آه و فغان،

ای دهقان!

آب خواهد شد،  
در دل پرده‌ی ظلمانی آفاق، آری!

---

<sup>۱</sup> م. صدیق، حسین. نمونه‌های شعر معاصر آذربایجان، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۷.

و فغان تو، همین در دل من خواهد ماند.

ز آسمان و چپر سبزش

نومیدم من

که تو را قانون

دخمه ای داده، سیه،

در این مُلک

لیک «خان» را،

خانه‌ای،

پر ستاره،

و همه پرده و آویزه‌ی سبز.

خواب کن در دل این ویرانه

زیر سنگینی حسرت‌هایش

خم شو و هیچ مخند

باش تا یکسره، پژمرده شود

لاله‌هایی که شکفتند، زمانی،

به برت

تا که خاموش شود

یکسره

شعله‌ی خورشیدی گیسوی ترت

گریه کن هر چه دلت می‌خواهد  
گریه‌ات می‌شود، آب  
زیر این خیمه‌ی ظلمانی  
و نمی‌پرسد کس:  
چیست این ناله،  
در این تیره شب طولانی؟

اصل این شعر که در مجموعه‌ی «کوشن»<sup>۱</sup> در سال ۱۳۴۳ در تهران چاپ شده است، چنین است:

نه قدر آغلاسان آغلا، که سنین آغلا بېشېن،  
بو قارانلبق گنجه ایچره اریب محو اولاجاق.  
نه سنین چین ده بو گوئلرده قېزېل گون دوغانجاق.

گنجه‌نین قلبی قارا بیر داشا بنزهر، و گوئون،  
پرده‌ی ظلمتی آلتېندا اریر آه و فغان.  
سنین آنجاق او فغانېندی بو کونلومده قالان

اونما یاردېم بو سمادان بو یاشیل چارداخان،

---

<sup>۱</sup> دو مجموعه‌ی موفق حبیب ساهر، یکی همین کوشن است و دیگری لبریک شعرلر.

سنه بو اۆلكهده قانون قارا بير داخما وئريب.  
خانا يالديزلى سارايلار و ياشېل آسما وئريب.

يات بو ويرانده حسرتلره قاتلان، گۆلمه،  
گۆلمه سۆلسون اۆره گينده آچېلان لاله لرین.  
اؤل كه سۆنسۆن او گۆنش رنگلى خوش زۆلف ترين.

نه قدهر آغلاسان آغلا كي سنين ناله لرین،  
بو قارانلبق گئجه نين جوف ائيرينده ارير.  
كيمسه سۆرماز: - بو قارانلبقدا، بو سس ناله ندير؟

بعد از آمدنم به تهران در سال ۱۳۵۰، با او و عمران از نزدیک آشنا شدم؛ با هم دوستی کردیم. عمران در ساختمان هفت طبقه‌ی رادیو و تلویزیون در خیابان شهید مطهری (تخت طاووس آن روز) کار می‌کرد، منزوی هم پیش او بود. برای مجله‌ی تماشا (بعدها سروش) مقاله می‌نوشت، ویراستاری می‌کرد و در شبکه‌ی دوم سیما برنامه‌ی «گروه ادب امروز» را اجرا می‌کرد که تحت سرپرستی نادر نادرپور بود. گاهی نیز برای کسب درآمد، به ترانه‌سرایی می‌پرداخت. من هم در ساختمان سیزده طبقه آموزشی واقع در مجتمع جام جم، دوره‌ی نه ماهه‌ی آموزش تهیه‌کنندگی را می‌دیدم. هم تازه از زندان آزاده شده بودم و هم در آزمون

ورودی صدا و سیما قبول شده بودم. در آن مدت تقریباً هر هفته آن دو را می‌دیدم.

منزوی و من هر دو هم زمان در سال ۱۳۵۴ ازدواج کردیم ثمره‌ی ازدواج او دختری به نام غزل بود. اما ازدواج او دیری نپائید؛ علت آن هم بیماری‌اش بود که سبب شد زن و دخترش در سال ۱۳۶۰ از او جدا شوند. بعد از انقلاب من توانستم گذرنامه بگیرم و مدت چهار سال (۶۲-۱۳۵۸) برای ادامه‌ی تحصیل به ترکیه رفتم؛ منزوی مدتی صفحه‌ی شعر مجله‌ی سروش را زیر نظر پرویز خرسند اداره می‌کرد. پس از برکناری خرسند، او نیز از سمت خود کنار گذاشته شد. پس از آن، مدت کوتاهی در فرهنگسرای نیاوران و سپس در کتابخانه‌ی حسینی‌یه‌ی ارشاد کارکرد و بعدها در انتشارات انقلاب اسلامی (فرانکلین سابق) به ویراستاری مشغول شد.

من در سال ۱۳۶۲ به ایران بازگشتم، به تدریس در «تربیت معلم» و به مترجمی رسمی در قوه‌ی قضائیه پرداختم. دارالترجمه‌ای تأسیس کردم که پاتوق دوستانم هم شد. اما بیماری خاص و در به دری حسین سبب می‌شد کمتر او را ببینم.

در سال ۱۳۷۱ ترجمه‌ای نیمایی از منظومه‌ی «حیدر بابایا سلام» سروده‌ی مرحوم شهریار را پیشم آورد و خواست که مقدمه‌ای بر آن بنویسم و مجموعه‌ی شعرهای ترکی خودش را هم با مقدمه‌ای یک صفحه‌ای در اختیارم گذاشت که چاپ کنم. بر ترجمه‌ی زیبایش از منظومه‌ی شهریار، مقدمه نوشتم و چند شعر

هم از مجموعه‌ی ترکی‌اش در آن گنجاندم. ناشر را خودش پیدا کرده بود؛ تحویل ناشر دادم و نظارت هم کردم، به نحو احسن چاپ شد.<sup>۳</sup> اما مجموعه‌ی اشعار ترکی‌اش را نتوانستم انتشار دهم؛ تا سال ۱۳۷۷ که مقدمه‌ای دیگر بر مجموعه نوشت و تغییراتی در آن داد و دوباره پیشم آورد. کتابچه‌ی حاضر همان مجموعه است که اینک بدون کم و کاست انتشار می‌یابد.

حسین منزوی در سن ۵۸ سالگی، شانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۸۳ یک سال پس از فوت پدرش به دنبال یک عمل جراحی طولانی در بیمارستان شهید رجایی تهران به سبب نارسایی قلبی و ریوی، درگذشت و در زادگاه خود زنجان به خاک سپرده شد. در فارسی او را «سلطان غزل معاصر» می‌نامند. در کنار غزل سرایی، در همه‌ی قالب‌های نو، سپید، دو بیتی، چهار پاره، مثنوی و غیره نیز قطعات موفقی دارد، اما بر همه روح تغزلی حاکم است. در شعر ترکی هم پس از انتشار آثارش، جایگاهش معلوم خواهد شد.

اول بگویم پدر حسین، مرحوم محمد منزوی از شاعران طراز اول ترکی سرای نسل پیش از ما بود؛ او با سید محمد حسین شهریار دوستی‌ها کرد و به استقبال اشعار او نیز شتافت. در روزگار خود به «استاد محمد منزوی» معروف شد. صاحب عزت و شأن گردید. در ترکی زبانی مطمئن و حماسی داشت:

ای گوژل یوردونا انسان یارادان،

---

<sup>۳</sup> شهریار، محمد حسین. حیدربابا همراه با نظیره‌ی ترکی، ترجمه به شعر نیمایی: حسین منزوی، به کوشش محمد فتحی، ۱۳۶۹.

خلقتین دردینه درمان یارادان.  
دۆزگۆن آزاده‌لیگه جان یارادان،  
پارلاق امکانپوا آند اولسون اوغول!

آنامین غمدن اگیلمیش بئلینه،  
قهرمان ایرانین آذر ائلینه،  
آناوین گۆز یاشینا، آغ تئلینه،  
کینلی اخوانیوا آند اولسون اوغول!

پارچالانمیش باشی مولا جانپنا،  
فاطمه اوغلو حسینین قانپنا.  
آتاوین قهرینه، برک عصیانپنا،  
قوجا اصلاپنپوا آند اولسون اوغول!

در نوحه‌سراییی ید طولایی یافت، به میدان پژوهش‌های ادبی هم گام  
گذاشت. آثاری نظیر «خورشید و مه» (تذکره‌ی شعرای زنجان) و «ضرب  
المثل‌های ترکی» را آفرید.  
وی به استقبال منظومه‌ی «حیدر بابایا سلام» نیز شتافت. استقبالیه‌ای در ۲۳  
بند سرود. در جایی از این استقبالیه می‌گوید:

من دئییرم هر آش بیر دادلبق ایستر،  
قفسده کی قوشلار آزادلبق ایستر،  
غملی اولان اوره کله شادلبق ایستر.  
اما حیف غملریمی بیلن یوخ،  
گۆزلریمین قان یاشینې سیلن یوخ.

حسین منزوی همان گونه که خود نیز در یادداشت‌های مقدمه‌گونه بر اشعار ترکی‌اش گفته، به همان شیوه که به لهجه‌ی زنگان از ترکی سخن می‌گفته، به همان لهجه نیز شعر سروده است. من هم در بازنویسی اشعار سعی کردم در شیوه‌گزینی املا‌ی ترکی، ویژگی‌های این لهجه را حفظ کنم.

لهجه‌ای که نشانه‌هایی از کهن‌ترین و اصیل‌ترین گویش ترکی را- بویژه در تصریف افعال- در خود حفظ کرده است. هم از این روی شعرش بسیار صمیمی و خودمانی از آب در آمده است. مانند منظومه‌ی «حیدربابایه سلام» که سراینده‌ی آن نیز عمد داشت، شعرش را نه به لفظ قلم، بلکه به لهجه‌ی عوام مردم و گویش شهر تبریز بسراید. شهریار در فارسی هم گاه چنین تفننی می‌کرد. مانند شعر «تقریر»:

این پشت کوه عینعلی،  
یه کاگلی اتا قکی واسه‌ی ما دسپا کرده!  
برادر بزرگترم رفته بود به سربازی  
آن هم می‌گن کشته شده

تو آن جنگ با ارزونی.

بابام می‌گن با مرگ او پشتش دیگه شکسته شد

دو سال بیشتر زنده نبود

کی می‌شه که مادرمو

از کلفتی، از رختشوری

از پیسی و از نخریسی

از منت همساده‌ها نجات بدم

چه غیرتی به کار زده

مادر من

تا ما به این قد برسیم.

اما این کار، در ترکی تفنن نیست. به سبب نزدیکی لفظ قلم و گویش کوچه و بازار از یک سو و به غربت افتادن کتابت از سوی دیگر، شاعران ما در ترکی‌نویسی و ترکی‌سرایی جز معدودی که با زبان معیار و ادبی آشنا هستند، به گویش شهر و منطقه‌ی خود سخن ساز می‌کنند. اما آن چه شعر ترکی منزوی را ممتاز می‌کند، دخالت دادن عنصر خیال در آن و استفاده‌ی سرشار از صنایع شعری است. حتی در شعر سپید، تصویرآفرینی‌های او، اعجاز انگیز است.

تعداد اندک شعر ترکی که در این دفتر گرد آمده است، نشان می‌دهد که وی در شعر ترکی نیز - همانند فارسی - شاعر موفقی بوده است. موفق‌تر از شعرای هم‌روزگاران دو زبانه‌ی خودش مانند مفتون امینی و عمران صلاحی که بیشتر در

فارسی درخشیدند تا ترکی.<sup>۴</sup> چرا که شاعری، طبع روان می‌خواهد. پس از انتشار همه‌ی اشعار ترکی منزوی، مطالعات تطبیقی آن‌ها با خلاقیت شعری فارسی وی، این ادعای من را ثابت خواهد کرد.

این جانب تعداد اشعاری را که مرحوم حسین منزوی برای مقدمه‌نویسی و انتشار در اختیارم گذاشته بود، با سال‌ها تأخیر عیناً منتشر می‌کنم. بی‌گمان اشعار ترکی دیگری از او بر جای مانده است که امیدوارم هرکس به آن‌ها دسترسی دارد، نسبت به انتشارشان همت کند.

در بازنگاری دست‌نویس حسین برای چاپ، به قصد حفظ شیوه و لهجه‌ی خاص او، تنها برخی تغییرات جزئی، جهت آسان‌خوانی روا داشتم که امیدوار هستم برای دوستداران او مفید واقع شود. چند شعر هم فاقد عنوان بود و یا حسین، خود عنوان را نوشته و خط زده بود که من آن‌ها را برپا کردم. به امید انتشار مجموعه‌ی کامل اشعار ترکی حسین منزوی.

دکتر ح. م. صدیق

تهران - فروردین ۱۳۹۲

---

<sup>۴</sup> به زبان ترکی از مفتون امینی «عاشیق‌لی کروان» و از عمران صلاحی «بنجرهدن داش گلیر» و «یارالی دورنا» چاپ شده است.



## توضیح

بو دفترده کی شعرلر تۆرکی دیلین ده و زنگان دئیشیندهدی. کتابتده ده سعی اولونوب کی هر نه کی تلفظاً اولور یازبلادا. خاص آدلار کی تۆرکی ده گیلیمیشلر، فارسی کتابتیندن یاز بلېب. او کلمه لرکی عربی، فارسی و تۆرکی تلفظلری بیردی، ائله اوجور یاز بلېب که فارسی دا یاز بلېر. قلمین پرتیشمه لرینی ده اؤز بویؤکلر غوزا باغیشلېباچېپز.

حسین منزوی

## باياتې

گۆل آچمېر باغېن، اولدوز!  
يانمېر چراغېن، اولدوز!  
نه ايشېق، نه ايشېلتې  
گلمير سؤراغېن، اولدوز!

اولدوز! اولدوز! هاي اولدوز!  
هاي اولدوز! هاراي اولدوز!  
تک چيخيپ، تک باتېرسان  
عؤمؤرکن سوباي، اولدوز

هاچان ايشاران، اولدوز!  
قوووشماز ياران، اولدوز!  
نه تهر سنى قوتارېم؟  
ال چاتماز داران اولدوز!

۱۳۷۱- فروردینین ۲۶ سی

## تاریخ نېن ادبنا

### اۆرهك سۆزی

اوشاق انا ديلين دانېشماغې باشلار. من ده هامې اوشاقلار كيمين ديليم انا دانېشېقېنان اچېلېب. هله ده بيز ائوده باجې قارداشلارينان و انا انا مېزنان ائله تۆركى ديليجه دانېشارېق اما سۆز بوردادى كى بيزلر- دئمهك اولور هامې ايرانلېلار- كى انا ديليميز فارسى ده گيل ايكى نوبت ديل اچارېق. اول ديل اچماغېمېز تۆرك اولوب، كۆرد اولوب، گيلك اولوب، ها لور اولوب و هر بير ايرې خلقلر اولساق او خلقين ديليجه. و ايكىنجى ديل اچماغېمېز بؤيوك و قديم و عزيز انا مېز ايرانين ديليجه اولاجاق.

بو سۆزى بونونچون يازيرام كى او عزيز تۆرك يولداشلار كى كئچن ايلرده منه اعتراض ائله ديلر كى: سن تۆركى شعرى يازماماغېنان- بعضى لرى كى تعصب لرى ارتېقى دې ديرديلر فارسى شعر يازماماغېندان اؤز انا ديلين تۆركى يه، خيانت ائلين، بيله لركى: اول باشدا كې من هئچ

وقت دئمه ميشم كى توركى شعر يازمامېشام، يا يازمېرام يا يازمېياچپيام.  
توركى منيم عزيز ايستكلى آناديليمدى و اونون شعرينه، ادبياتپنا و  
هابئله باشا باش فرهنگينه افتخار ائلمه لى يم اگرده منى لايق بيلسه،  
اؤزۆمى اونا گۆره بۆشلى بيليرم و بو بورجى وئرمه لى يم و  
باجاردېغېمناندا وئرميشم. شعرى چاپ ائلممك بو معنادا ده گيل كى  
شعر يوخدى. چوخ شعرلر گله جك ايچين دييلير. بو بير سۆز!  
ايكىنجى سۆز بوكى: من نئجه كى ديديم ايكى اناموار و ايكى نوبت  
ديل آچمېشام.

بيرى عزيز كافور باشلى، آندې چپراغلى، قادېن كى منى دۇنيايه  
گتيريب و ديمك اولور كى من شعرى ده، يارې با يارې اون دان كى  
شعر ديمى بيت اما شاعيردى - و عزيز آتامان - كى هم شاعيردى و هم  
شعر دئيب - ارث آپارمېشام و ايكىنجى: عزيز وطنيم ايران كه قيمتلى  
توپراغى، قهرمان اوغلان لارېن قانپنا و عزالى آنلارېن گۆز ياشپنن، سو  
وارېلبې پس هئچ زامان اولمى ييب كى آناديليمه دال چؤوؤرؤب، اونى  
گۆزدن سالمېش اولام. من فارسى جادا شعر يازاندا، ائله انا ديلين ده شعر  
يازبرمېشام. ايندى ده كى بو بالاجا دفتري سيزه سارې گؤنده ريرم و  
توركى شعرلر يمدن نئچه سين ده اونا تاپشېرام كى محضريره گتيرسين،

گئنهده ائله عزیز، ایستمه‌لی، امکان‌لی و گئده‌رلی آنادېلېم، تۆرکی‌ده،  
شعر یازمېشام. دیمه‌لی‌یم کی: تۆرکی شعرده، من هله‌ده کهنه‌کار  
اؤلمامېشامسا دیمه‌ک اؤلورکی بولار سیزین کیچیک شاعیریزین تۆرکی  
شعرینده فارسی اصطلاحی‌جا دئسم، «سیاه‌مشق» لریدی، کی اگر قبول  
ائله‌سز، سیز عزیز شعر دوست‌لارینا اتحاف اؤلور.

خوش یاشی‌یان

۱۳۷۷ نین باهاری- زنگان

حسین منزوی

## باياتې

عزيزيم! دا، ياتمارام  
سويو اودا، قاتمارام  
سن گليب چېخمايېنجا  
يولا باخېب، ياتمارام

عزيزيم! ياغدي دولو  
ايترديك، ساغي، سولو  
گل، الين وئر، اليمه  
باشدان گندهك، بويولو

عزيزيم! يولون اوزاق  
گل، گتتمه، مندن ايراق  
يوللاري قارا باسېب  
دايان، قوی قوشا گداق

عزىزىم! داغلارا باخ  
تۆكۆلمۆش تاغلارا باخ  
بىزىم ائو ائشىك تايې  
پوزولموش باغلارا باخ!

## غزلیم

آچ گۆزۆن قوی یوخودان، گۆللر اویانسېن، غزلیم  
آچ گۆزۆن قوی باخېشېندان گۆن اوتانسېن، غزلیم  
گۆره بیلمز، گۆزه لیم! آی دا، اوزوندن گۆز لین  
آیا باخ تا که حسدن، پارالانسېن، غزلیم  
سن اولان یئرده، گۆلۆم! گۆل ندی؟ دور گلشنی گز  
قوی سنین باشبوا، پروانه دۆلانسېن، غزلیم  
چیخ چمن سیرینه، مدهوش ائله سرو و سمنی  
قوی آدېن، عطر کیمی باغدا، جالانسېن، غزلیم  
جلوه یوخ گۆنده، نه گۆلده، سن اولان یئرده گره ک  
دفتر حسندن، هر آد، قارالانسېن، غزلیم  
قالمېشام، قاشبوی، کیپریکلریوی – گۆزلریوی  
قلمیم هانسېنی وصف ائیلیه، هانسېن؟ غزلیم!  
سنی آغوشه چکنده اۆره گیمدن دئیرم  
کاشکی بودور زمان بوردا دایانسېن غزلیم!

يا دايانسيپن، يا كه هر لحظه سي، هر ثانيه سي  
بیر ایل اولسون، ایلی بیر عمر، اوزانسیپن، غزلیم  
سنی، هر کیم دیله چالسا، گوروم، اغزی قوروسون  
گوروم اغزیندا، عومورکن، دیلی یانسیپن، غزلیم.

## باياتې

عزيزيم يالقوز قالدېم  
محنت ساتدېم، غم آلدېم  
ال لريم بوشا چيخدى  
ناققېشلار سووا چالدېم

عزيزيم! ياغدي دؤلى  
ايتيرديك ساغى، سؤلى  
گل الين وئر اليمه  
باشدان گندهك، بو يولى

عزيزيم! يول لار اوزاخ  
گل گئتمه من دن ايراخ  
قارا باسېب يول لارې

دايان قۇى قۇشا گۇداخ

عزىزىم! جانىم ياندى  
اۆره گىم پارچالاندى  
دالنجاسۇرۇنۇرم  
گىتمە، قايت، اماندى

منى ھىچە كىم ساتدى؟  
منى چۆلە كىم اتدى  
سن گىتدىن گۇنۇم باتدى  
سن باتدىن، بختىم ياتدى.

ازىلمىش داغلارا باخ  
پۇزولمۇش باغلارا باخ  
ائوئىمىز خارابا قالبب  
تۇكۇلمۇش طاغلارا باخ

اۋتى سوۋا قاتمارام  
سۆزۈمى اۋزاتمارام  
اۋتوروب يۈلا باخېب  
سن گلېنجه ياتمارام

۱۳۶۰ يىن يايى - زىنگان

## باياتې

دوغورى سۆز، يالان سۆز  
كىم ساتىب، كىم آلان سۆز  
سىنەمى اودا چكىب  
اۆره گىمده قالان سۆز.

عزىزىم ھارا گئىدىم؟  
اۆره كده يارا گئىدىم  
قارا بختىن اليندەن  
باش چكىب ھارا گئىدىم؟

عزىزىم اويدون گئىدىن  
منى تك قويدون گئىدىن  
من سندن ھىچ دادمېش  
سن مندن دويدون گئىدىن؟

۱۳۶۰ يىن يايى - زىنگان

## باياتې

قېزېم، قېزېم، قېزېم، آى قېزېم!  
اولدوز قېزېم! آى قېزېم!  
گل اوتى غملىرىمى  
من دئىيم، سن ساي قېزېم!

داغلارېن قارى سان سن  
باغلارېن بارې سان سن  
عُمرؤمؤن باغچاسې نېن  
هئىواسې، نارې سان سن

آغزېمېن دادې، دوزى  
صُبحومون دان اولدوزى  
قېشېمېن داغ كۆرسۆسى  
يايې مېن بىللور بوزى.

هر كُهنه، ازل اولماز

هر ياخچې، گۆزل اولماز  
دنيا، دۇلى قېز اولسا  
هئىچ بېرى، غزل اولماز.

داغلارې گزه بيلمم  
داشلارې ازه بيلمم  
جانپمدان دا، ال اؤزسم  
سندن ال اؤزه بيلمم

سن عشقيمين پايې سان  
بوخومون لاي لايې سان  
هئىچ كيمه، اوخشاربن يوخ  
تكجه اؤزؤن تايې سان

۱۳۶۰ - پاييز - تهران

## باياتې

عزیزیم سن، سۆزۆم سن  
ایشیق ایکی گۆزۆم سن  
سۆزدن، گۆزدن ایرهلی  
سن لاپ منیم اۆزۆم سن

حالېم یامان اولدی گل  
صبریم تالان اولدی گل  
پیچاق سۆمۆگه دیکدی  
اۆره گیم قان اولدی گل

گل عمرۆمۆن اوجاغې  
جیگ ریمین بوجاغې  
شعرین اۇخشایان الی  
عشقین ایستی قوجاغې

## عاشبىق

چال چۆگۆرۆن، اۇخى، سسى سسه قات عاشبىق  
ياتمېش دلى لرى يوخودان اويات  
توستى باسېب چئىلى بئلى، دىء گۆرۆم  
نئجه دور كۆر اۇغلى؟ هاردادور قيرآت؟

سنين چۆگۆرا چالدېغېن زخمه لر  
پردە- پردە اۆره گىمى تىتره دير  
وجودىمى سنين تۇنانلى سسين  
بىر تك دۆشمۆش آچاچ كىمى تىتره دير

سنين حرارتلى حزين سسينده  
اۆره ك قانى گۆز ياشېنان قاربشېر  
سن زخمه ووراندا قېزېل سارماشبىق  
سحر قانلى ديرك لره، ساربشېر

اۆره گىمن دردىنى دىندىريرن

غمه باتمېش ائو ائشيكدن دینده  
خاطريمدن كهنه تۇزى سيليرن  
تۇزدا ياتمېش بۇش بئشيكدن دىينده

اصلى كرم دن اۇخوياندا، منى  
دالدا قالمېش زامانلارا چكىرن  
اليمدن ياپېشېب منى اۇزۇن دن  
يۇخى كيمى دۇمانلارا چكىرن

غليظ قاراتتي نېن باغري يارېلېر  
آخېر سنين كسرلى اوازيندان  
سن اۇخوران، من يازېرام، صبح اولور  
ائله بيل گۇن چېخېر سنين سازبندان

۱۳۶۳-پاييز-كوج

## گۆزله!

تانی مخاطبیوی هر زمان گیرنده سۆزه  
کی ال اله ائله میر اعتماد گۆزده گۆزه  
دئمه اوره ک سۆزۆوی هر زمان تاپاندا قولاخ  
کی هر دوواردا سیچان واردې هر سیجاندا قولاخ

۱۳۶۶ نین یایی- تهران

## اۆلماسېن

نە فايدا، آى اۆلسون اولدوز اۆلماسېن؟  
هئىچ گئجه، هئىچ گۆى اولدوزسوز اۆلماسېن  
هئىچ قوش جوجهسېندن آيرې دۆشمهسېن  
هئىچ آنا، هئىچ بالا، يالقوز اۆلماسېن.

## باھارا باخېش

گئنه گۆل لنه جک قورى باغچالار  
بزه نه جک گئنه گۆل دن طاقچالار  
گۆرۆشه جک گئنه باھار، باغېنان  
بارېش جاق يئميشانلار داغېنان.

گئنه نسيم

اسه جکدى سونبول لرین ساچېنا.

گئنه باغچا

بورونه جک ياشېل قيرميز پاچېنا.

گئنه زامان

دۆنه جکدى قارلې دۆنرگه لرى

قوراجاقدې باغلارا يئتيشرکن

گۆل چيچکلى، بزه کلى جرگه لرى.

گئنه قېش گئده جک، باھار گله جک

قوجالمېش آغاجلار، جاوانلاشاجاق  
گئنه قارلار اريه جك، گئنه ده  
سئللر سولار، داغلان اشېلب داشاجاق.

گئچه جيگي گوردوك، بيلديك ده، اما  
كيم بيلير كي نه اولاجاق گله جك  
قبش گئده جك اما گورن بيزلردن  
ياز گلنده كيمين اوزي گوله جك؟

۱۳۷۰ يىن دى آبي-زنگان

## آی بئچارا، بختی قارا

گۆرن ایستیر قوری جانبن  
هانسی زنداندان قوتارا،  
کۆلک کی دلی لر کیمی  
چپرپنبر دردن دیوارا.

قرو باسمش پنجرهدن  
قار کۆلهگه باخا- باخا  
گۆزلریوین گیزلین یاشی  
اۆرهگیندن آخا- آخا.

اۆزۆنده کی بیر سسی نن،

دی بیرن

سن دی بیرن:

«گۆرن، اولور،

کۆلک قاچیب قورتولاندا،

زندانبن دان

يۇل آغرىندا  
بىر دايانا؟  
منى دە آلا دىشىنە  
اۋزىنى بوردان آپارا؟»

سن دىيىرن:  
«گۇرن اۇلور،  
قانادلاشام قىشلاق لانان قوش لاربىنان؟  
بۇز دۇنموش گۇلۇن اۋستون دن  
كئچم ياشىل باشلاربىنان؟»

«گۇرن اۇلور،  
بىرگون قېشىپن او يۇزۇندە  
يازىن ياشىل لې دۇزۇندە  
گۇرۇشم بىر  
كئچن يار يۇلداشلاربىنان؟  
يارالاربىن دان گۇل بىتن،  
وفالې قارداشلاربىنان؟»

سن دی بیرن:  
«گۆرن اولور ...»  
اما بیر سس ایراخلاردان،  
دومان دوتموش اوزاخلاردان،  
دی بیر: «اٹله بیل کی بیر گۆن  
معجز کیلیدنی قاپدین  
بو زندانین  
چپر بلمش قاپی سبن  
آچدین  
اٹله بیل کی داش دیواردا  
کئچمه لی بیر دئشیک تاپدین  
هاوا کیمی یول آچدین  
قورتولدون  
قاچدین  
اٹله بیل کی سن نن کۆلک  
قاردان، دیواردان  
قوتولدوز

نسىم اولدوز  
يول تاپدېز يازا،  
باھارا  
امّا قارا بخت اليندن  
ھارا گئدەجک سىز، ھارا!؟»

سن دى ييرن: «داردا قالان  
گرەك نەفسە، گلین جە  
چالېشما دان  
يۈرولميا  
بلکە اۋزۈنى قوتارا!»

سس دى يير كى:  
«سرنوشتين زندانېن دان قوتولميا!  
آى بئچارا!  
نە لازيم دى يوران اۋزۈن  
نە لازيم دى  
سورودان داشلار اۋستون دە

باتمېش سينن  
ياتمېش ديزين؟  
اؤزۆن چالان  
اوردان بورا  
بوردان اؤرا؟  
قېرو باسمېش پنجرهدان  
سن ساكت باخېران قارا  
امّا سس گينه دى يينير:  
- ائله بيل كى قارې ننه ناغېل دى يير-  
«سن يير اؤلۆيه قسمتن  
آى بئچارا!  
بختى قارا!»

۱۳۷۰ يىن دى آيى-زنگان

## پنجره دالبندان

عقل دى يير: «اۆز قويمما عشقه ساري!»  
اما عشقين چكير منى آپاري  
عقل ن عشق آراسيندا قالار كن  
بو گت، گتمه لر، جانمې قوتاري  
عقلى آتېم يا عشقى ساتېم؟ نئينيم؟  
اۆزۆن منه بير يول قۇي، سنى تاري!

سن سيز نئجه قرار تايېم، صبر ائديم؟  
دى بس نئديم؟ آي صبريمين قرارى!  
آي شعريمين تۆكنميه ن الهامى!  
آي عمرؤمؤن سارالمبيان باھاري!  
مين كوئون گۆزلىرینه وئرمه رم  
سنين گۆزلىرين دن ايچن خوماري  
اۆره گيمين بندى! ساوالان قندى!  
لاپ اري ييب اۆره گيم سن دن ساري

پنجره نین ایشبقي نې گورن کن  
باش گوزومده اولدوز کیمی ایشاری  
سویوق کسیر، تلس، تنز آچ قاپی نې  
یوخسا دونار گوز یاشپمین آخاری  
آچ قاپی نې، پنجره نی چالمیشام  
آی باغلانمیش قاپی لارین آچاری!  
آی منیم عومرومؤن تک آغاجیندا،  
خزان دا گول آچمیش باهارلی باری!  
سنه نه دی بییم دای؟ آی قارا ایل ده  
باغچامین آق آلماسی، قبرمیز تارې!

۱۳۷۰ ین دی آیی - کرج

## اينجى

آى بۆتۈن حُسْنُودە لىلايە چكن الھاميم!  
منى مجنون كيمى صحرايە چكن الھاميم!  
آى منيم گۆزلىرىمىن ذاتينا معنا يارادان  
روحومى شور تماشاىە چكن الھاميم!  
آى قىزاردان اؤپۇشن دن، گۆلۇشن دن دۇداغېن  
باخېشېندان گۆزۇنە سايە چكن الھاميم!  
آى سنين دۇشلىرىن اۇستۇندە چلىپا زولفون  
منى تصليب مسيحاىە چكن الھاميم!  
آى اوزون گۆل كيمى باغلار ياخاسېندان چېخادان  
منى بۇلبۇل كيمى غوغايە چكن الھاميم!  
كىپرىگىن دن قلم ألمېش الە، باطل خطىنى  
گۆزلىرىن نرگس شەھلايە چكن الھاميم!  
آى سۇتۇل ألمالارى آدمې يۇلدان چېخادان  
وسوسە وئرمەدە حوايە چكن الھاميم!  
حسن و عصمتدە داشان يوسف مصرە ياراشان  
عشق و جراتدە زليخايە چكن الھاميم!

آی منیم کۆنلۆمی بو ورطهده سېنمېش گمی نی  
بیرده باشدان دۆلو دریایه چکن الهامیم!  
نازیلین قول و غزل ساحری - اؤز شاعرینی  
گئنهده شعر تمنایه چکن الهامیم!  
آی پۆزۆلمۆش کلماتی بو غزلده تازادان  
اینجی تک، رشتهی معنایه چکن الهامیم!

۱۳۷۰ ین قیشی - تهران

## سفر سوغاتى

جادا گئدير، من گئديرم، چاي گئدير  
اۆره گيم دوتقوندى، گۆره گيم گئدير.  
جۆتۆنى ايتيرميش صونادان سۇروش  
سندن آيرى دۆشمك مننه نه ائدير!

تا محرم ال لردن سنى آلېنجا  
قول لاربمې سنین بوینان سالېنجا  
كۆلگه كيمى تۇرپاقدان سۇرۇنركن  
ھارا گئت سن، گلەجەگم دالېنجا

قېرمېز ألما، چولاق اله ياراشماز  
سارې يارپاق قېرمېز گۆله ياراشماز  
مننن دانېش، اما عتايينان يۇخ  
شېرىن دۇداق آجې ديلە ياراشماز.

ناغېل لاردا، هردن بېر تور قوپاردې  
بېرسى ايتيرهردى، بېرسى تاپاردې  
ناغېلېمدا، يوخومدا، بېر تۇز قوپدى  
بېر دۆى گلدى سنى گوئدى آپاردې

۱۳۷۲ىن فروردىنى - (آق كند - زنگان)

## باياتې

داغلارې دومان آلېب،  
باغلارې سامان آلېب.  
فلک وئردیک لرینی،  
الیمدن آمان آلېب.

تاپمېر بیر گوشه کؤنلۆم  
قوش کیمی دۆشه کؤنلۆم  
آی داش آتان! داش آتما  
خوردلانېر شوشه کؤنلۆم

آی گؤزلر، آلا گؤزلر  
آی سؤزلر، شیرین سؤزلر  
من گئندنه یؤلومی  
من گلینجه کیم گؤزلر؟

نسیم لر گؤل گتیرر

گۆل لږ بۆلبۆل گتيرر  
يار بمېن گۆزى نرگيس  
ساچې سۆنبۆل گتيرر

آغلار گۆزلر باخبلار  
اينجى ياشلار، آخبلار  
آلبشېرلار منى ده  
ياندېرېرلار، ياخبلار

غم يئمه يامان اولور  
آماندان، آمان اولور  
گۆزۆن يۇمما، گۆن باتار  
آه چكمه، دومان اولور

بيلميھن وار، بيلن وار  
گۆلميهن وار، گۆلن وار  
اۆره گيم سس ائشيدير  
ائله بيل كى گلن وار.

ھاردا ایتیب سن، ھاردا؟  
ائیدیب سن وطن ھاردا؟  
بو درەلر، بو داغلار  
سن ھارداسان، من ھاردا؟

گنجهلر سن سېز یاتماق؟  
سنی یاددان چیخاتماق؟  
عۆمۆرلر ایشی دگیل  
بو عشقین داشېن آتماق

خوش یاراشمېش ھاماشلار  
مات گۆزلر، چاتما قاشلار  
اؤ قووار، بو چاغېرار  
گۆز قوتارار، قاش باشلار

یاخاندان چیخان دۆشلر  
ائولری یېخان دۆشلر

دار كۆينكده سېخېلېپ  
كۆنلۆمى سېخان دۆشلىر

قاشېن گۆزەن ياراشېر  
آغزېن سۆزەن ياراشېر  
هر بېر زادېن يىئرىندە  
اۆزۆن، اۆزەن ياراشېر.

قول چېنار الېم باغلار  
باش سېنار، حكېم باغلار  
قلىمىدە كى يارانې  
سن دن سۇرا، كىم باغلار؟

سۇروشوران من نۆلدوم؟  
بېر پىمانەى دىم دۆلدوم  
پايىزىم يازان يىئدى  
سن گۆل آچدېن من سۆلدوم.

ايستى ھوسين ھانى؟  
ايستكلى سسين ھانى؟  
ھامپسې بۇرجون اولسون  
قورى نفسين ھانى؟

قۇنچانى نسيم ايستر  
سنى نفسيم ايستر  
داى بيرده بوندان سۇرا  
منى سنجە كيەم ايستەر؟

آى داغلار، اوجا داغلار!  
آى باغلار، قۇجا باغلار!  
بولوتلار آغلار سيزه  
بولوتلارا كيەم آغلار؟

۱۳۷۳ نين ياي - زنگان

## قار، شخته

شخته! سنه كيم دئدى گوى دن يئرہ ائدير قارى؟  
كوله ك! سنه كيم دئدى هؤخور سه په لندير قارى؟  
باخ ايندى چوخ ياغماغېنان گؤر نئجه جبران ائدير  
آزجا اگر بو ايل قېشېن ائيله دى تاخير قارى  
آق آپ پاغې لاپار- لاپار، شيشه دالېندان قېشېن،  
يايدا آغاجلاردان ائتن پامبوغا بنزير قارى  
حتماً اولور بو شخته نين هر دولوسو بير چره ك  
ايندى كى گلدى چكمه گيه هر بيرى بير سير قارى  
دوره دؤشؤبدى قېش گئنه يۇخدى قوتولماق اوندان  
بو قارېن بير شخته سى وار، بو شخته نين بير قارى.

۱۳۷۰ين قيشى- زنگان

## دخمه

بوغونتی بۆرۆيۆب گئجه گۆندۆزی  
اۆره گيم قورتولوب بو قارانلیق دان  
قلیم دوتولوبدی بیر کیم یوخدورکی  
بو دخمه یه بیر یول آچا ایشیق دان

منی بوغماق ایچین بو دار دخمه ده  
قارانتینان بوغونتی قارباشیلار  
عرشه قدهر قانیمې سۇرماق ایچین  
ال بیر اولوب دۆره مه سارباشیلار

یاتاغیم یا اوتاغیم بیر سلول دی  
کتاپینان بۆتۆن لنمیش دیواری  
بوردا گزیر راسکولینکوفون<sup>۱</sup> دا، روحی  
اورداسرگردان دی مادام بۇواری،<sup>۲</sup>

آق نهنگین<sup>۳</sup> گئیش داعوا میدانی

توفان لى درياسى - اوتاغېمدادې.  
ناخدا ايھيب<sup>۴</sup> ين سۆمۆك قىچى نين  
سسى گئجه گۆندۆز قولاغيمدادې

هر يانا گنديرم اۆزۆمى تاپام  
ديوارا تۆش گليب داشا ده گيرم  
هر طرفه يېخېلېرام يئر به يئر  
اۆزۆلمۆش قول، كسيك باشا ده گيرم

كتابلارا باخېب سيره گئدەندە  
جور به جور فكلرل دۆشۆر باشېما  
امّا ياخشې يئرە يئتنده بيردن  
سويوق سو قاتېلار ايستى اشېما

ائله كى گۆرۆكر چشمەده مارال،<sup>۵</sup>  
نيزاردان گۆرۆنن گۆيچك منظره  
بيردن گۆل ممد<sup>۶</sup> ين قاني سپيلر

سنگودون<sup>۷</sup> داغپندا، داغ صخره لره

ائله كى پارلانېر حافظ<sup>۷</sup> شعرينده  
«ماه مجلس اولان ستاره»<sup>۸</sup> لرى  
گۆزۆمۆن ائوينده بۇيلور تيمور<sup>۹</sup> ون  
جممه دن سالمېش مناره لرى<sup>۱۰</sup> .

هر دن شوقا سالېر جانيمى، گنديب  
ناصر خسرو<sup>۱۱</sup> كيمي دنيانې گزمك  
اما شوقوم اولور يادا دوشنده  
طرابلس<sup>۱۲</sup> ده سعدى<sup>۱۳</sup> ن پالچېق ازمك

هر دن ده اوژ باشمې قاتماق ايچين  
قارېشېق ذهنيمه ده ميدان آچارام  
يا اوژۆمى ياددان چېخارتماق ايچين  
بو كتابدان او كتبا قاچارام

فردوسى<sup>۱۴</sup> نان عطار<sup>۱۵</sup> ين سيمرغونى<sup>۱۶</sup>

دۇيۇش دۇررم، گۇرم ھانسې سېناچاق  
اۋتوز قوش، بو بېر قوش، گۇرن ھانسې  
قوچاق اولاجاقدې، ھانسى سې قاچاق

گۇرن اصلى شېرىن<sup>۱۷</sup> ھانسې شېرىن دى  
چىشمەلردە چىمن، نظامى<sup>۱۸</sup> يازان  
يا بېستون<sup>۱۹</sup> را، ات اۋستە قۇرۇمۇش  
نامراد فرھاد<sup>۲۰</sup> ين تىشەسى قازان

نە گىجەلر كۇنلۇمۇن بېر كسىندە  
سۇيونوبلار، چىمىلر يىددى پرى  
ناچار، آغاج دالېندا گىزلىتمىشىدىم  
يىددى حورى گۇزدن حسن زرگرى<sup>۲۱</sup>

خىالېمېن آفاقېندا نە قدەر  
كتابلارېن عفرىتلىرى اۋچۇبلار  
رنگ بە رنگ قانادلار، قانادا وئرمىش

سبزپرى زردپرى<sup>۲۲</sup> اوچوبلار

بوردا اوسطورهلر يئر به يئر اولوب  
هردن افسانئىنن تاريخ قاربشېب  
سياووشون<sup>۲۳</sup> قانى توران دان گليب  
حسين(ع)<sup>۲۴</sup> ون قانېنان بوردا قاربشېب

يئددى ايلدى اوتاغېن گۆشه سينده  
حسنك<sup>۲۵</sup> ين جنازه سې داردادې  
اون بير ايلدى اوژ حسنى مين عكسى  
ياشېل كوئىنك اگىنين ده ديواردادې

شهر يار<sup>۲۶</sup> ين، نىما<sup>۲۷</sup> نېن عكسى منه  
خيره قالبلار، قاب لارېن ايچينده  
من ده روح لارې نان هر ايكى سى نين  
چالېشېرام كتابلارېن ايچينده

هر قفسه فكريمدە بىر قىبرىدى  
هر كتاب گۆزۈمە بىر تابوت گلىر  
تابوتلار بىن يانېندا، ساقدان سۇلا  
سانچو پانزا<sup>۲۸</sup> گىدىر، دون كىشوت،<sup>۲۹</sup> گلىر

گاه دى بىرم بلکہ من دە بىر روحام  
ايتمىشم بىر مرموز غار بىن ايچىندە  
گاه دى بىرم بلکہ من دە اۆلمۇشم  
دفن اۆلموشام كاغادلار بىن ايچىندە

باشلانمىسى - ۱۳۷۲ نىن يايى  
قوتولمىسى ۱۳۷۲ نىن قىشى  
زنگان

#### واضحاتا بىر نىچە توضيح اشارەلر موردىن دە:

- ۱- راسكولينكوف = داستا يوسكى نىن بۇيۇك اثرى «جنایت و مكافات» بىن قهرمانى.
- ۲- مادام بوواری = «گوستاو فلور» بىن ادلېم رومانې نىن اصلى شخصىتى.
- ۳- موبىدىك = اق نېنگ (نېنگ سفىد) «هرمان ملویل» بىن شاهكارى.
- ۴- ناخدا ايھىب = موبى دىكىن اصلى قهرمانې نىن ادې.

۵- مارال = محمود دولت آبادی نېن، کلیدرلی آدیبان بۇيۇك رمانې نېن اصلی شخصیت لری ن دن بیرى .

۶- گل محمد = «کلیدر» ین اصلی شخصیتی .

۷ و ۸ - «حافظ» ین بو بیتینه اشاره:

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

دل رمیده ی ما را انیس و مونس شد

۹ و ۱۰- اشاره دی «تیمور لنگ» ین آلب ویران اتلی ییب چؤل قویان شهرلره، آدام لار جمجمه سیندن مناره لره .

۱۱- «ناصر خسرو» وون بۇيۇك سفرینه اشاره اؤلؤب که بیر آدلیم «سفرنامه» ده اؤنون نتیجه سی دیر .

۱۲ و ۱۳- اشاره دی «سعدی» نین، «گلستان» دا اؤز گرفتارلیغینا و «طرابلس» - ایندی «لبنان» شهرلرین دندی - ده، فعله یلگه مشغول اولدورماق لیغینا گؤره یازبسې .

۱۴ و ۱۵- «فردوسی» شاهنامه ده «سیمرغ» - سوموروغ - دان بیر شخصیت اراثة و ثریب کی «عطار»، «منطق الطیر» ده تصویر اتلی ین «سیمرغ» و نان چوخ فرقی وار. بوردا بو تفاوتلارا اشاره اولوبدی .

۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰- اشاره دی «خسرو شیرین» ین اصلی شخصیت لری ن دن بیرینه - اثرمنی و یا روملی قادی ن کی «خسرو پرویز» ین سئوگیلی سی و «بیستون» ی قازان هنرمند «فرهاد» ین ایسته کلی سیدی . «نظامی»، «خسرو شیرین» ی یاردان بۇيۇك شاعر و «بیستون» بیر داغدی «کرمانشاه» طرفینده . بللی دی کی «فرهاد»، «خسرو شیرین» ین ایسته مه لی و سیمپاتیک شخصیتی دی کی فارسی و همی ده تۆرکی شعرده بۇيۇك عاشیق لری ن سمبول لار بندان بیرى دی .

۲۱- اشاره دی «الف لیله و لیله» - هزار و یک شب - شیرین ناغبلار بېن بیرینه کی «حسن زرگر» اؤنون اصلی شخصیتی دی . «مین بیر گئجه» نین اهمیتی نی گؤرستمه گه بیر دیمک اولور

كى غىربىلر «يران»ى و بلكە «بۆتۈن شىرقى»، «مىن بىر گىنجە» اۆلكەسى تانېرلار.  
«استاندا» بۇيۇك «فرانسە»لى يازبېچى - ياددان چىخىمى يان «سرخ و سياه» پىن يازانې - يازبې  
كى مىنمىم ذەنىم دۇرت پارا اۆلسا، اۆچ پاراسى نې «مىن بىر گىنجە» اشغال اندىب!  
۲۲- عاميانە ناغىل لارېن ادلېسېندان، بىرى دە «سبز پىرى، زرد پىرى، سرخ پىرى» ادېن دا بىر  
بالاجا شىرىن ناغىلېدى.

۲۳- سىاوش = «فردوسى» نىن عظمتلى و تاى - توش سوز و نېنگ اثرى شاھنامە دە  
ياراتمېش. اىستەملى شىخىت لردن بىرى دە «سىاوش» دى كى دەدەسى «كاووس» دان اچىق  
اىلى بىب «توران» دا، «فراسىاب» نىن يانېنا گىتمىشىدى اۈنون قېزى «فرنگىس» ى دە اىلمېشىدى  
كى «كىخسرو» اۈندان اۆلموشدى. «سىاوش» ى اخبىر دا، «فراسىاب»، «گرسىوز» نىن،  
وسوسەسى نىن اۆلدۇرتىردى.

۲۴- حىسین (ع) - شىعەلرېن اۈچۈنچى امامى كى ھىجرتىن ۶۱ اينچى ايلېن دە «كربلا» دە  
شەھىد اۆلدى.

۲۵- حىسنگ وزىر، «سلطان محمود» نىن شوكتلى وزىرى كى «محمود» اۆلدىن سۇرا  
اۆغلى «سلطان مسعود»، «بوسەل زوزنى» نىن سعايتى نىن و قىرمطى لىك و باطنى لىك، جىمى نىن  
(سنى دوت تۇھمى نىن يا سنى دى باھانەسى نىن) اۈنى (حىسنگى) دارا چىكىدىردى. بىھقى ايرانېن  
تارىخ يازبېچىلارې نېن ان بۇيۇك شىخىتى. يازبېر كې «حىسنگ» نىن جىنازەسى ىددى ايل داردا  
قالدى.

۲۶- شىرىار معاصر بۇيۇك و ادلې سانلې و شانلې شاعر كى غزل لرى اوزون ايل لردن  
دىل لردەدى. «شىرىارېن» تۆرك لرى اچىندە شىھرتىنە باعث اۆلان غزل لرىندىن ارتىق، پارلاق

منظومەسى، «حیدر بابایا سلام»دى كى اۆن دا بىر ترجمەدە بو قلمىن صاحبىندان، ۱۳۶۹دا  
انتشار تاپپ. <sup>۵</sup>

۲۷. نىما يوشىچ - على اسفنديارى - معاصر شعر قافلهسى نىن باشې كى فارسى شعرده  
بۇيۇك و اساسى بىر تحوّل ياراتدې.

۲۸ و ۲۹ - «اسپانيا»لى بۇيۇك يازېچې «سِر و انتس» نىن شاهكارى «دن كيشوت» ون ايكي  
اصلى شخصيت لرينه اشاره.

---

<sup>۵</sup> شەرىار، محمد حسين. حیدر بابا ھمراھ با نظیرەى تركى، ترجمە بە شعر نىمايى: حسين منزوى، بە كوشش  
محمد فتحى، ۱۳۶۹.

## باياتې

المېشام يئل دن سنى  
دۆتمۆشام سئل دن سنى  
من سنى گئج تايميشام  
تئز وئرمم الدهن سنى.

خوشلوقوم باشا چېخدې  
گۆز لريم ياشا چېخدې  
گئنه ايتيرديم سنى  
ال لريم بوشا چېخدې.

گئنه گۆز ياشېم آخار  
آخارې سنه باخار  
كيبيريگيم اينجى دۆزهر  
گۆز لريم بوينان تاخار.

هر پالتار جيب سيز اولماز

هر كيم نصيب سيز اولماز  
يئرى سن يول اچيلار  
هر كوچه ديب سيز اولماز.

باغچادا نار آغاچي  
بزه ييب بار، آغاچي  
منيم پوزغون باغيمدا  
بوي چكيب دار آغاچي.

دار آغاچي تولانپر  
منه طرف بويلانپر  
گوزي تكجه مندهدى  
آغاج ميوه سين تانپر.

آ ليلا، ليلا، ليلا!  
منى داردان اسپللا  
من گوئی ده جان چكيرم  
سن ده يئرده، واويلا!

بو گۆل دن باهار آچماز  
آچسادا هئىچ كار آچماز  
من چالان قاپي لاري  
هر كيم آچسا، يار آچماز

۱۳۷۲ مرداد آبي

تهران

## خيال سوروشى

آى سسىن روھومدا يئل كىمى اسن  
اۆرەك باغلامېشام عطىرلى سسن.  
آى سنلن دانېشماق بارېشماق شوقى  
قارارىمى آلان صبرىمى كسن.  
يالقۇزلىق قېشىنې ارېتماق ايچىن  
اۆمۇد باغلامېشدىم اىستى نفسن.  
اما حىيف گئەدە من گئىچ گلدىم  
بختىم دئمەدى كى گرەك تلەسن!  
ايندى سنى ياددان چېخاتماغى چېن  
ھارا گئدىم، نە ايش گۇرۇم گۇرەسن؟  
سن اوزۇن دى گۇرۇم ھانسى ھوانى  
سراغلى يىم كى دۇشمۇيۇم ھوھسن  
سۆزى چۇخلى، اۆزى يۇخلى! دى گۇرۇم  
خيال سان، يوخومنان يۇخسا گلەسن:

آى منىم تاى توشوم دارداكى قوشوم!  
هاياندان يول آچىم سنىن قفسىن؟  
خيالىندان سورشوردى خيالېم  
بىر گون اولور سنده بىزه گلهسن؟

۱۳۷۲ نىن قىشى زنگان

## اصلى كرم

توتقون آسمانېن قارادې غم نى  
سنى نئجه يازېم آبى قلم نى؟  
گئتمەلى يىم سېندېرام، سېندېرمى يام  
كۆلك كى درياني سېنىق بلم نى  
بىر عۆمۆردۆر اۆلۆم نى اۆز به اۆزەم  
دريالار قۇرخوتماز مىنى عدم نى  
دنيا، گۆزى داردې هانسې بىر زادې  
قېيىب دىر بىرىنە آرتىق دان كىم نى؟  
داشا چالدى منىم دە جان شۆشەمى  
دنياكى آلمېشدى جامىنى، جىم نى  
سندىن گرەك ال اۆزماغې، كۆنلۆمە  
نئجه ايناندېرىم، هانسې قىسىم نى؟  
مىنى سىدىن ال چكىب گئدىرىم، اما  
خيالىن ال چكىمىر منىم يىخىم نى

بیزیم عشق دنده بیر اؤخی، عاشیق!  
بسدی نه اؤخودون اصلی - کرم ن  
عشق اولماسا شعرین ده سسی باتار  
یئل اولماسا شیر یویورمز علم ن

۱۳۷۲- اسفند آیی

## دریا فانوسی

گولمہ گولہ، گول اوتانپر  
باخما گونہ، آلوانپر.  
زلفون اسیر ائلہ بیل کی  
عطیر شوشہ سی جالانپر.  
رفدہ کی آینالار؟ سنی  
قافدا کی آینالار تانپر!  
یولدا کی گتتمکدی ایشی  
سنی گورندہ، دایانپر  
نئجہ کی قیسالمپر عومور  
سنین ناغیلین، اوزانپر.  
یایدا پاییزلامپش کونول  
سن گول آچاندا یازلانپر.  
گوزون دریا فانوسی تک  
دومانلار دالیندا یانپر.

لابد اۆتۆرۆر اۆره گيه  
سۆز كى اۆره كدن قوزانپر  
حُسنووى منجه كيم بيلير؟  
شعريمى سنجه كيم تانپر؟

۱۳۷۳ يى زنگان

## ھاردان ھارا

اوزاخ يول لاردان گلن يارا!  
يوخون اوتى، اوزاخ گزمه  
آتپل ارخى، آش ديوارى  
داھې من دن ايراخ گزمه

اولدوزونان آياق اولوب  
گونۆز باتدېن گنجە چيخدېن  
قارا بۆلۆتلى يول لارې  
گنجە باشا ننجە چيخدېن؟

گل اوتى بير دانېش گورۆم  
ھاردان گتتدين، ھاردان گلدين  
ھانسې دۇنگەلردن دۇندۇن؟  
ھانسې گديكلردن گلدين؟

دانېش گورۆم كيمي گوردۇن

ايتىپ يۇل دا قالمېش لاردان؟  
نئجه يۇل لار؟ قيرقى قانات  
قاطر دېرناق سالمېش لاردان

سن گئىندە باش دوتمويان،  
بىر سفرى يادا سالدېم  
قاطر گئىدى، يئر دا ياندې  
سن گئىدىن من يئردە قالدېم

آرزى لار سن سىز باتمېشىدى  
قان آخارلې آرازېم دا  
چېغېرتې لار بۇغولموشدو  
بوغوز باسمىش بوغازېم دا

قاپاربنان گئىن گۆزل!  
يولون آغزې پەرىپى<sup>۱</sup>، سايان<sup>۲</sup>  
منى من دن ائىن گۆزل!  
من سىز گئىتمە بىرجه دا يان

قار بۇرۇمۇش داغلاربا باخ  
قىرۇ باسۇمىش باغلاربا باخ  
عۇمۇر واركن سىلپىنىمىيەن  
سىنەمدەكى داغلاربا باخ

۱۳۷۲ نىن قىشى - زنگان

۱- پرىي = كىچن اىل لردە زنگانېن تهران دروازاسىندا كىچىك بىر يىر وار ايدى، يادىما گلن بىر- ايكى قهوهخانا و هابىله «پمپ بنزىن» اۇردا وار ايدى- منىم يادىما گلمىر- دىيىلر اۇردا بىر بالا و مخروبه بىر اوتاق كىمىن وارمىش كى بىر سىد اۇنون قاباغىندا داينارمىش و مسافرلر زنگان دان چېخاندا- ماشىن يا ات يا هر وسيله نىن- اۇلاربا دعا ائلىيىب و باشلاربا يا دال لاربا يا بۇيونلاربا ال چكرمىش كى بو ايشه «پرىيله مك» دىيرمىشلر، هله ده بو اصطلاح زنگاندا قالېر و بىرى بىرىنه دعا ائلىيىب و الين اۇنون باشىنا چكسه دىيرلر فلان آدم، فلان آدمى پرىيله دى. بعضاً بىرى بىرىنه، اذىت اىچىن ده ال وىرسا، شوخلوقان دىيرلر: «بابا! پرىيله مه!» ايندى بىلمىم ايا پرىيله مك قاباقدان وارمىش يا پرىي؟ يىر اۇ ايشه گۇره پرىي اۇلانېب يا ايش اۇ يىره گۇره پرىيله مك؟ ايندى «پرىي» قارىشېب زنگانا و اۇلېم «بولوار» تهرانا گۇدن يۇلون اولينده و هابىله زنگانېن قدىم پمپ بنزىنى، قدىم پرىي نىن يىرىنده قرار تاپىپ لار.

۲- سايان = تهرانا گۇندە ائله پرىي دن سۇرا ساران ايدى. ايندى گرەك اۇلا و زنگانادا قاتېشمامىش اۇلسا، يوخون گلن اىل لردە، قارىشمالې گرەك اۇلا.

## خيال

سۆنمۆش چېراغلارېن ايشېق حسرتى  
تۆكۆلمۆش باغلارېن كئچميش فرصتى  
وقارلې داغلارېن گيزگين غيرتى  
اۆره گيىمدن قاينار سو تكين، داشېر.

كۆنلۆم، ياخشې پيسى، گۆرۆب سئچركن  
سۈوى قاراتتې دان آلېب ايچركن  
الين دووارلارا سۆرتۆب كئچركن  
يېخېلمېش كۆلگەدن گۆن سوراغلاشېر

عشقىم ناغېل اولور دۆشۈر ديل لره  
اۆمۆدۆم دالېنجا قاچېر چۆل لره  
صونا كيمين اۆزۆن ويرير گۆل لره  
تلەسيك سئل كيمي، داغلاردان آشېر

قېرقېن لاردان قالمېش اۇبا ائليندن

بوغدالبقدا اسن سارې تئلىندىن  
يۇل دان كئچن كۆلەگىندىن، يئلىندىن  
سنى سۈرۈشاركن، سۆز پىچىلداشېر!

گىجەدى خيالېم خۇلپايا باتېب  
سنە چاتماز آلېم خيالان چاتېب  
سۈرۈشورام كىم اۇياقدى؟ كىم ياتېب؟  
كىمىن گۆزى اولدوز سئچىر قاماشېر؟

دوستاق لارېن قايې لارېن آچاندا،  
قفس لىر سېناندا، قوشلار قاچاندا،  
شىطان ائشىتمەسىن - گۆرەن ھاچاندا،  
ھاردا، گۆزۈن گۆزلىرىمە، ساتاشېر؟

۱۳۷۴ - يايىن اول آيى

زنگان

## باھار سوغاتی

اریمیش قارلاردا، ایز آچا- آچا  
اوزاخ یولدان گلن باھار یولدادې  
كهنه سراى لارېن تۈزونى تۈكن  
بايرام يئلين اسديرن يار، يولدادې

آغزې شيرين سۈزلى، آلماياناقلي  
دوداق لارې باللى، ديشلرى سۈتۈل  
گله جكدى منه گتيره جكدى  
بیر الينده چيراغ، بیر الينده گۈل

بئله كى قاربشېب رنگلرى رنگه  
بيلميرم يار هانسې، باھار هانسې دې  
شاه اسماعيل<sup>۱</sup> كيمى حيران قالاركن  
بيلميرم گۈل هانسې، گۈلزار<sup>۲</sup> هانسې دې

منيم گۈلۈم هئچ بير گۈله بنزەمز

اۈنون ساچې ھىچ سۆنبۆلە بنزەمز  
دېلى دېلدى، شېرىنى دە شېرىندى  
اما ھىچ بېر شېرىن دېلە، بنزەمز

اۈز گۆلۆم، اۈز گۆزەلېمىن وصفىندە  
ھارادان باشلېبېب، ھارايا گلېم؟  
قويون دى يېم سۆزلىرىمىن سۆزۆنى:  
گۆل لرىن گۆلى دى منىم گۆزەلېم

ياسدان عطير آلېب، ياسمن دن ات  
نرگىس دن گۆز آلېب، لالە دن ياناق  
سوسن دن رنگ آلېب، گۆل دن رنگىزە  
سۆنبۆل دن ساچ آلېب، قونچادان دۇداق!

امكەن قاتېب دې دېمك گۆلمكەلە  
حلاوت قندېندن ملاحت دوزون  
ايشېق گۆنلرىنى گۆسترمگى چىن  
اندېنا چالدىرېب سحر اولدوزون

هر گۆزەلدىن بىر گۆزەللىك گۆتۈرۈپ  
امما ھىچ بىرىنە، ائلە اوخشاماز  
كۈنە تىمىل لىرىن تازا تىكىپى  
ياربىم دىكى ھىچ گۆزەلە اوخشاماز

اۈنون شىرىن دىلىن كىمە بنزەدېم؟  
اۈكى شىرىن دىل لىرىن ھامبىسى دى  
تىكجە بىر گۆل دەگىل، باھارلار كىمى  
منىم گۆلۈم، گۆل لىرىن، ھامبىسى دى

نىگار<sup>۳</sup> كىمى اصلى<sup>۴</sup> كىمى يارلارېن  
تۆكەنمىش اصلىندىن آخىرا قالمېش  
اصىل گۆزەل لىرىن قىبىلەسى نىن  
قوتارمېش نىلىندىن آخىرا قالمېش

گۆپچىك باشماق لارى، گۆل آياقلارى  
ياشېل چىن لىرى ازەجىك گۈنە

ال الیمہ وئرمیش من نن ایز به ایز  
باہار کۆچہ لرین گزہ چک گئنه.

گۆللۆ اراہہ سین مینیب گئنه ده  
گلہ جکدی منی قاباقلیا جاق  
ہمیشہ کی یئردہ دایانپ گئنه  
یولا باخب منی سوراغلیا جاق

آی طین دوتموش قیرو باسمبش اۆرہ گیم!  
یاسدان پالازدان چبخ، اؤینا، دانپش، گۆل  
گئنه گلہ جکدی سوغاتلی یارپن  
بیر الینده چیراغ، بیر الینده گۆل

عۆمۆر قوتارمامبش، قاش قارالمابش،  
بو عشقین دولتی تالانان دگیل  
ایچہ جہ گیک آخبر نفسہ کیمین  
بیزیم پیمانہ میز، جالانان دگیل

۱۳۷۴- یایین اول آبی - زنگان

- ۱- شاه اسماعیل = خلقین ناغبل لار بنداکی، ایستمهلی شخصیت لردن بیرى که خلق اونی، تاریخدن ناغبل لره گتیریب لر.
- ۲- گلزار = شاه اسماعیلین عاشیق لار دیدیگی ناغبل دا، گولزار خانیم اونیون ایسته کلی سی.
- ۳- نیگار خانیم = قوچ کور اوغلونون، ایسته کلی سی قادینې و یاشاییش یولداشی.
- ۴- اصلی = «اصلی - کرم» عاشیق لار سووهن ناغبل دا، کرمین ایسته کلی سی دی، که بیزیم فارسی داکی «شیرین- فرهاد» و «ویس و رامین»، هابئله لیلی- مجنون کیمی کرمین عشق تمثیلی دیلر.

### نيسگيل

كسپير قيليچ كيمي گۆل لرى آياز  
هانې ياشېل دۆنلى چمن؟ هانې ياز؟  
طبيعتدن اۆترى اۆره گيم كئچير  
گۆزه لليگى قانان منى قېناماز

هانې بۆلبۆل لرين آذان ديمهسى  
گۆل بوتاسې يئردە قېلاندا ناماز؟  
گۆى دن قاتار قاتار كئچن دورنالار  
گۆل ده جۆت جۆت ايسكى گئدهن اۆردك، غاز

باغېن ياشېل پرده سين دن آسلانان  
اۆزۆمدن شرابه، هئيوادان قوتاز  
هانسې نرگيس؟ هانسې ياس؟ هانسې سوسن؟  
بو تۇر ياق دا، چال تىكان دا، گۆل آچماز!

يئردن الو چىخېر، گۆيدن، قان ياغېر  
بو باغدا گۆل بيتمز، بۆلبۆل ياشاماز  
پاييز، قېشى بېر فصيل اوزاخدېرېر  
قېش گئدير بېر فصيل پاييزا پشسواز  
هله گۆن لىر كئچل حمزه لىرىن دىر  
ايتىب دميرچى اۇغلى<sup>۲</sup> ياتىب خان آيواز<sup>۳</sup>  
هانى اوغراش پاشالارېن اوستۆنه  
عرب آتى<sup>۴</sup> چاپان، تانرى تانېماز<sup>۵</sup>؟  
هانى حيدر بابا<sup>۶</sup> گديگين آلان  
وره ندىلى چيگينده ملك نياز<sup>۷</sup>؟  
بۆرۆبۆب اۆلكه نى آغلاشماق سسى  
هانى عاشىق؟ هانى ماهنى؟ هانى ساز؟  
شنلىك غمه چۆنۆر، توى ياسا دۆنۆر  
هلىده آپارېر سارا<sup>۸</sup> نى، آراز<sup>۹</sup>

«دريالار مُرگب مئشه لىر قلم»

شاعرىم! ائىل اوبا دردىلىرىندين ياز

## اشارەلەر:

۱- كئچل حمزه = «كۆر اوغلى» حماسه سينين، پيس آدم لار بن لان و منفى شخصيت لرين دن، اؤزۇنى پاشالارا ساتمىش، خلقه داش آتمىش، ظلم عمله لرين دن بىرى.  
۲- دميرچى اوغلى = كۆر اوغلى حماسه سى نين، ياخشى آدم و مثبت شخصيت لرين دن بىرى.

۳- خان آيواز = ها بئله كۆر اوغلى اوردوسونون دلى لرين دن بىرى.

۴- ۵ = تانرى تانيماز دا، كۆر اوغلى نين اردوسونون باش بيلير لرين دن بىرى و «عرب ات» دا اؤنون اتى نين آدى.

۶- حيدر بابا = فكر ائله ميرم بىرى اولان كى حيدر بابا داغبن «شهر يار» ين نهنگ منظومه سى نين اصلى قهرمانى نى تانمايا.

۷- ملك نياز = حيدر بابا نين قهرمان لار بن دان بىرى: ملك نياز ورنديلى سالاردى...

۸- سارا = آذربايجان بن ناغبل ن تاريخ مرزىنده آدلېم اولان ايسته مهلى شخصيت لرين دن.

۹- آراز = ارس چايى كى سئل اولوب سارانې آپاردې. آذربايجان بن شاعر لرين ين اثر لرين ده - تۆركى و فارسى - سارادان و اؤنون درين معنالى اولۇمۇندن چۇخ سۆزلر، ياز بلېب. هابئله بىر ماهنې دان:

آرپا چايى درين اولماز  
آخار سۆوى سرين اولماز  
«سارا» كيمين گلين اولماز  
آپاردې سئلر «سارا» مي  
بىر اوجا بۆىلى بالامي

«هذيان دل» دن:

سارا، گل ماه و کوهپایه  
بر خانه‌ی زین عروس می‌رفت.  
سیلش بر بود و ازدهایی  
تند و خشن و عیوس می‌رفت.  
گلدسته بر آب و شیون خلق  
بر گنبد آبنوس می‌رفت  
«سارا!» تو شدی عروس دریا.

۱۰- دریالار... : تاریخ بویی زامان لاردان قالمیش عاشیق لار سؤزؤن دن بیر پارا.

## بولوت

بولوتونان آغلاشدېق  
آغلاشماقدا، باغلاشدېق  
گۆز ياشېمېز بىر اۆلدى  
دۆش آچېب قوجاقلاشدېق

آغلاشارېق سئل اوللوق  
آھلارشارېق يئل اوللوق  
دال با دال بىر - بىرىنە  
باغلاشارېق، ائل اوللوق

بولوتوم، جان بولوتوم!  
اۆرەگى قان بولوتوم!  
ناحق ناحق قان لارا  
قان آغلېيان بولوتوم!

۱۳۷۷ نىن - بايرامى - زنگان

## باياتې

دیل سیز دانېشلې گۆز لر  
سۆز لر تانېشلې گۆز لر  
پلنگ لردن باج آلان  
جیران باخېشلې گۆز لر

تاواق دان کوسن تئلر  
صبریمی کسن تئلر  
نسیمدن بیرق ألمېش  
چیگینن ده اسن تئلر

دیب به دیب یاتان دیشلر  
اۆرهگه باتان دیشلر  
بال سوته قاتان دیشلر  
میروارې ساتان دیشلر

گۆز اۆستۆن آلان قاشلار  
سایه لر سالان قاشلار  
اۆره ک لری اۆینادان  
کامانچا چالان قاشلار

## قۇشماجا

اۇيان دره بويان دره  
گلين گئدهك كئچن لره  
گلين گۆلك، گلين دياق  
گل اۇخوياق، گل اۇنيياق

اۇيان قارا، بويان قارا  
قاراتې نېن تتلين قارا  
تارق گنير تاراقليياق  
تاراقچې نې سوراغليياق  
هاردا قالب سوراغچې لار  
ائل بزەين تاراقچې لار  
تارق دگيل پيچاق دى بو  
پيچاق دەگيل اوراق دى بو  
پيچاق سو ايچدى، ايچمەدى  
اوراق كۆتەلدى بيچمەدى  
بيچينچى لر قوجالدىلار

اکینجی لر گيجالديلار  
گيجالتما دوتدی باغلارې  
ورم قوجالندی داغلارې  
داغین باشې آق آپباغې  
بس دی فلک، گل آششاغې  
گل آششاغې دۆلان گۆرهک  
دۆلان گۆرهک کیمن فلک!  
بویۆکلری کۆتکله دین  
اوشاقلارې فلکله دین  
آی فلکین فلکلری  
قانلا دۆلی اتکلری!  
قان آغلاغې اتک - اتک  
قان ایزینی دوتاق گندهک.  
گندهک گۆرهک یولدا نه وار؟  
ساقدا نه وار، سولدا نه وار؟  
سولدا نه واردې؟ تنگه لر!  
ساقدا نه واردې؟ دۆنگه لر!

دۇنگەلرین دۇنگەسى  
اۋلۇم ایتىملى جىرگەسى  
باغچالارې گۈل آچمايان  
اوشاق لارې دىل آچمايان  
اۋلوم فلک! ایتىم فلک!  
گۇرۇم قالان ایتىم فلک!  
ایتىم گۇز آچدې آغلادې،  
دیزلرینی قۇجاقلادې.  
طیفیل بالام! گل آغلاشاق  
قۇل بویونا قۇجاقلاشاق!  
قۇجاق - قۇجاق قۇجالمېشېق  
لاپ قورى يئردە قالمېشېق!  
کیم ایتىم بىز قەبى دك  
گلن يۇلى بىردە گئدک؟  
نفس - نفس ھسە کلى يە ک  
اوشاق کیمی، امە کلى يە ک  
ایمە ک دیمە، بيمە ک دیمە

سۆزلىمە دىمەك دىمە  
دال اگىلىب، بئىل بۆكۆلۆب  
قاش آغارېب، دىش تۆكۆلۆب  
تۆكۆلمۆشۆك، النىمىشىك  
كفن لره، بلنىمىشىك.  
اويان قله، بويان قله  
گۆن سايبېرق اۆلۆم گله  
آى اۆلۆمۆن ملاكەسى  
گلىر قانادلارېن سسى!  
ياواش - ياواش باتير سسىم  
گلىر، گلنىمىر نىسىم  
قارانتېلار، غلىظله نىر  
يۈرولموشام، يوخوم گلىر  
آى يوخونى سورن كىشى  
سورچىلرېن بگىنىمىشى  
اويان قارا، بويان قارا  
آپار منى دومانلارا . . .

۱۳۷۷ نىن بايرامى - زنگان

داغین باشی آق ایپاتی  
 بس ری ملک گه له آش شاهی  
 گه له آش شاهی دۆلان گوروک  
 دۆلان گوروک کیمین ملک ای  
 بونوک لری کونک لردن  
 اوشا لاری ملک لردن  
 آ آی فلکان فلک لری  
 تایلر دۆلی اهرک لری  
 مان آغلاقی اهرک اهرک  
 مان انزینی دواق کدهک  
 گدهک گوروک لولانه وار  
 سادانه وار، سولدانه وار  
 سولدانه وارری؟ قیلر لری  
 سادانه وارری؟ دۆنگه لری  
 دۆنگه لردن دۆنر گرسی  
 اولوم ایتم لی جبر گرسی  
 باشا لاری گوله آجیی بان  
 اوشاق لاری دیل آجیی بان ←

فرستما جا

۷۹ -

اويان دهره پويان دهره  
گه لهن گه دهن گه کي کي لهره  
گه لهن گو گلاقي، گه لهن دياق  
گه ل اوخويان، گه ل او پيوان

اويان تارا، پويان تارا  
تاراني نهن نهن تارا  
تاراق گه پير تاراقليان  
تاراقچي ني سوراغليان  
هاردا ماليت سوراغچي لاه  
ايل پيري ن تاراقچي لاه  
تاراق ده گيل پيماق ري بو  
پيماق ده گيل اوران ري بو  
پيماق سوا بدي، ايجمه ري  
اوراق کوته لري بيجمه ري  
بيجين جي لهر قوجالدي لاه  
اه کين جي لهر گيما لدرار  
گيما لهما دو هو تدي ماغزاري  
ورم قوجالدي داغزاري